

عنوان مقاله:

نقد نظریه مدرن صلح (به‌سوی نظریه کلاسیک صلح مبتنی بر تاریخ ایران)

محل انتشار:

فصلنامه راهبرد، دوره 27، شماره 2 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسنده:

سیدجواد طاهایی - پژوهشگر پژوهشگاه تحقیقات راهبردی

خلاصه مقاله:

صلح در دنیای مدرن محصول مدیریت و هماهنگی‌هایی است که بر ترس از نتایج کاربرد قدرت نظامی استوار است. این نظریه ساده و موسع، مفروض اصلی مطالعات صلح در رشته حقوق و روابط بین‌الملل در قرن بیستم بوده است. اما در این مقاله ادعا می‌شود که نظریه مدرن صلح (استقرار نظم بر پایه قدرت اجبار و ملاحظات ناشی از ترس) مرتبط با تجربیات تاریخی و واقعیت «صلح» نیست، بلکه آنچه بیشتر به واقعیت صلح ارتباط دارد و زیسته‌تر است، نظریه کلاسیک صلح است که برخلاف تصورات مدرن از صلح، می‌گوید صلح مشخصه دولت‌ها نیست، بلکه مشخصه اجتماعات است. در برابر تصور امروزی از صلح، فرضیه‌ای که می‌کشیم آن را معقول و بین‌الذهانی سازیم عبارت است از صلح به‌عنوان توان و کارکرد یک اجتماع تاریخی [یا تمدن] برای تلطیف و قابل زیست ساختن مناطق پیرامونش از طریق گسترش فرهنگی ناهشیار خود. یافته تحقیق آن است که ایران از معدود اجتماعات تاریخی است که کارکردهای مطابق با نظریه کلاسیک صلح را در سراسر تاریخ خود بروز داده و از این‌رو شایسته است که همین اصل یعنی نظریه کلاسیک یا ماقبل مدرن صلح، اندیشه راهنمای سیاست خارجی ایران باشد؛ اندیشه‌ای مرکزی که می‌گوید ایران در طول تاریخ خود، بیشتر با گسترش‌یابی اجتماع و فرهنگش مشخص می‌شده است تا با درگیری‌ها و اشتغالات دولت خود. دولت در ایران اغلب مواقع ضعیف و اجتماع ایرانی همواره قوی بوده است. به عبارتی، گسترش تفاهات ناهشیار، کارکرد تاریخی اجتماع ایرانی در منطقه پیرامونیش بوده است و همین باید اندیشه پایه سیاست خارجی ایران باشد. سیاست خارجی ایران باید همین گرایش تاریخی اجتماع ایرانی، همین گسترش‌طلبی ناهشیار را آیینگی کند و خود را معمار طرح‌های بلند تصور نکند. اوج موفقیت دولت ایرانی در سیاست خارجی آن است که زیاد به چشم همسایگان نیاید.

کلمات کلیدی:

صلح، ایران، فرهنگ، جنگ، تاریخ، منطقه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1136920>

